

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 5, Summer 2020, 1-32
Doi: 10.30465/crtls.2020.27791.1638

An Analytical Study of the Methodological Implications of the Concept of “Social Current”

Ali Ebrahim Pour*

Abstract

“Study of (Social) Currents (Currentology)” has been a new concept in recent decades in the Iranian intellectual, cultural, and political literature. Due to its influential and efficient literature, it has become popular. However, the lack of a scientific and methodological discipline has made this literature extremely chaotic, shaky, and turbulent. Therefore, in order to get rid of these misunderstandings, it is necessary to provide a clear theoretical framework for this literature. Currentology seems to have to be studied with a second-rate perspective. Its purpose is to introduce "Studies of Currents" as a science, not a journalistic and rhetorical model. It is a science, the subject of which is "(Social) Currents". This article is written using a descriptive-analytical method and using library resources. Also, this article focuses on the methodological principle of the relation and proportion between 'method' and 'object' (in the theoretical foundations of science in Islamic tradition). By analyzing the components of the "(Social) Current" definition, it derives its methodological implications. Finally, it offers them in 30 titles. These methodological implications underlie the design of a scientific model favorable to “Study of (Social) Currents (Currentology)”.

Keywords: Social Current, Currentology, Studies of Social Currents, Methodology, Common Semantic System.

* MA of Strategic Management of Culture in Bagher Al-Olum University Qom and High-level Student and Researcher of Qom Seminary, montazer.mahdy@gmail.com

Date received: 2019-12-14, Date of acceptance: 2020-06-07

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی تحلیلی لوازم روش‌شناسانه ماهیت «جریان اجتماعی»^۱

علی ابراهیم‌پور*

چکیده

«جریان‌شناسی» پدیده‌ای جدید در ایران معاصر است که عنوان جلسات و کتب متعددی را در عرصه‌های علم، فرهنگ، و سیاست به‌خود اختصاص داده است. اما مشکل این مباحث فقر ادبیات و چهارچوب نظری مشخص و عدم حاکمیت انضباط‌های علمی بر آن است که باعث سوءتفاهم‌ها، تشتت‌آرا، و درهم‌ریختگی معرفتی شده و مخاطبان را دچار سردرگمی و تحیر کرده است. برای حل این مشکل، جریان‌شناسی نه درحد مباحث ژورنالیستی، بلکه به‌منزله دانشی موردتحقیق و نگاه درجه‌دومی مطالعه شده است. بر این اساس، مطابق ضوابط حکمت اسلامی در تعریف علوم به موضوعات، جریان‌شناسی دانشی است که یکی از حقایق اجتماعی به نام «جریان اجتماعی» را به‌منزله موضوع خود برگزیده است. این مقاله در راستای تثبیت و تقویت هویت دانشی «جریان‌شناسی» با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، با توجه به اصل روش‌شناختی رابطه و تناسب میان «روش» و «موضوع مورد مطالعه» در چهارچوب نظری علم در سنت اسلامی، با تحلیل ابعاد هویت جریان اجتماعی، لوازم روش‌شناسانه آن را بررسی و استخراج کرده و در قالب ۳۰ عنوان ارائه داده است. این لوازم روش‌شناسانه پیش‌نیازهای طراحی و صورت‌بندی الگوی علمی مطلوب جریان‌شناسی را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: جریان، جریان‌شناسی، روش‌شناسی جریان‌شناسی، میان‌رشته‌ای، نظام مشترک معنایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت راه‌بردی فرهنگ، دانشگاه باقرالعلوم قم و طلبه سطح عالی حوزه علمیه قم،
montazer.mahdy@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

۱. مقدمه

«جریان‌شناسی» و «جریان» از مفاهیم جدید و پرتکرار در فضای فکری و سیاسی دهه‌های اخیر پس از انقلاب اسلامی است و این مفاهیم امروزه دیگر برای اندیشمندان عرصه‌های فکر، فرهنگ، و سیاست واژه‌های غریبی نیست. این مفهوم با قیدها و پسوندهای مختلف «فکری»، «فرهنگی»، «سیاسی»، و برخی قیود خاص‌تر رواج یافته است و جلسات متعددی با این موضوعات برگزار می‌شود. محققان با الگوهای نظری و خلاقیت‌های شخصی متفاوت، پدیده‌های تاریخی، فکری، و اجتماعی را توضیح می‌دهند و به مقوله‌بندی اندیشه‌ها، طبقه‌بندی کنش‌گران فرهنگی، و تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند و به‌نوعی مسیر تاریخ و جامعه را ترسیم می‌کنند. شاهد رسوخ ادبیات جریان‌شناسی در فضای علمی ایران ورود عناوین جریان‌شناسی به برنامه‌های درسی رشته‌های جدید تحصیلات تکمیلی^۲ و تدوین پایان‌نامه‌های گوناگون در رشته‌های ادبیات، معارف اسلامی، فلسفه، و... با این عنوان است.

معرفت برآمده از جریان‌شناسی^۱ ادبیاتی پرجاذبه و پرنفوذ دارد و این باعث شده است توسعه ادبیات جریان‌شناسی با سرعت بالایی ادامه پیدا کند، اما نوپدیدبودن این مباحث در جامعه امروز ایران، کثرت مدعیان این حوزه، و عدم تنقیح مبانی، منطق، و روش این مباحث، سوءتفاهم‌ها، تشتت‌آرا، و درهم‌ریختگی معرفتی را در پی داشته و مخاطبان را دچار سردرگمی کرده است. این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها به قدری است که جریان‌شناسی مخالفان و موافقانی جدی میان اندیشوران پیدا کرده است.

بدیهی است که حل مشکل جز در پرتو نگاه درجه‌دومی به «جریان‌شناسی» به‌دست نمی‌آید. اگر بخواهیم از تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها رهایی یابیم، لازم است جریان‌شناسی موضوع مطالعه‌ای دقیق و مستوفی قرار گیرد تا از این طریق این دسته از معرفت‌ها را در جایگاه واقعی‌اش قرار دهیم. ارزش و روش آن را روشن کنیم و منطق و الگویی مشخص و متناسب را برایش توصیه کنیم. بنابراین ناگزیریم کار علمی و دقیقی بر روی نفس جریان‌شناسی انجام دهیم و جریان و جریان‌شناسی را به‌صورت درجه‌دومی واکاوی کنیم.

مقاله «بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی جریان و جریان‌شناسی» (ابراهیم‌پور ۱۳۹۸) قدم اول این کار را برداشته و با بررسی تحلیلی نظریات مطرح درباره مفهوم جریان، جریان‌شناسی، و نقد و بررسی آن‌ها، بستر ارائه تعریفی جامع و منتخب از جریان و جریان‌شناسی را فراهم کرده و در پایان تعریفی مختار از جریان ارائه داده است.

بررسی تحلیلی لوازم روش‌شناسانه ماهیت «جریان اجتماعی» (علی ابراهیم‌پور) ۵

مطابق این تعریف، جریان حقیقت اجتماعی پویا و زنده‌ای است که در متن جامعه حیات دارد. ابعاد این حقیقت به صورت نظام‌وار با یک‌دیگر ارتباط دارند و هویتی سیستمی به جریان می‌بخشند.

مطابق تحقیق ابراهیم‌پور، «جریان پدیده اجتماعی پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (سیستمی) غیررسمی است که از مجموعه اصول و فروض معرفتی (نظام مشترک معنایی) تشکیل شده که جمعیتی نظام‌یافته (مدیریت‌شده) براساس آن عمل کرده و تأثیر می‌گذارند» (همان). هم‌چنین مطابق بررسی انجام‌شده در آن مقاله، هرچند مشابه تولیدات جریان‌شناسانه فعلی، تحقیقاتی هم در غرب و هم در تراث بومی ما دیده می‌شود، اما جریان‌شناسی آن‌گونه که امروز در کشور ما رایج شده، موضوعی جدید و بی‌سابقه است. از میان واژگان لاتین current معادل جریان برگزیده شده است (همان).

هم‌چنین در راستای تلاش علمی، به منظور برطرف کردن تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها دربارهٔ هویت جریان‌شناسی، مقاله «تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی - معرفتی 'جریان' به مثابه موضوع دانش جریان‌شناسی» در تثبیت هویت دانشی «جریان‌شناسی» کوشیده است. بدین معنا که، جریان‌شناسی نه یک سری گزاره‌های متفرق و تبلیغاتی - ژورنالیستی، بلکه دانشی میان‌رشته‌ای با روش‌شناسی خاص خود است. «دانش» دانستن جریان‌شناسی از این نظر است که «جریان» حقیقتی عینی دارد و از این رو می‌توان براساس مبانی معرفتی علم در سنت اسلامی آن را موضوع دانش قرار داد.^۳

از آن‌جاکه هر دانش در سنتی نظری تعریف می‌شود و براساس مبانی نظری خود رنگ و جهت می‌گیرد، اصل موضوعه برگزیده تعریف و صورت‌بندی جریان‌شناسی در «مبانی نظری علم در سنت اسلامی» است^۴ که موضع «رنالیسم معرفتی» را به‌منزله پشتوانه معرفت‌شناختی خود اخذ کرده است. بنابراین دانش جریان‌شناسی در چهارچوب نظری علم در سنت اسلامی تعریف می‌شود. با توجه به انضباط‌های حاکم بر این سنت نظری، علوم به موضوع خود تعریف می‌شوند. بر این اساس، جریان‌شناسی دانشی است که دربارهٔ جریان (اجتماعی) بحث می‌کند. از آن‌جاکه تعریف دانش با تعریف موضوع علم و بررسی اعراض ذاتی آن موضوع پیوند خورده است، تازمانی که ابعاد و عناصر جریان بررسی و منقح نشوند و شناخت دقیق مقومات «جریان» به‌دست نیاید، حدود و ثغور دانش جریان‌شناسی مشخص نمی‌شود. بنابر تعریف منتخب، مقومات جریان شامل ۱. ساختار شبکه‌ای، ۲. هویت اجتماعی، ۳. نظام مشترک معنایی، ۴. پویایی، ۵. جمعیت، ۶. مدیریت و

رهبری، ۷. تأثیرگذاری، و ۸. عدم رسمیت است. این ارکان با یکدیگر ارتباط دارند و جریان را به صورت نظام شکل می‌دهند. نظام مشترک معنایی رکن محوری جریان است (ابراهیم‌پور ۱۳۹۷).

روشن شدن هرچه بیش‌تر و بهتر تعریف جریان و ماهیت‌شناسی آن ما را در ارائه روش‌شناسی شناخت آن کمک می‌کند، زیرا بین شیء و روش شناخت آن رابطه معناداری برقرار است. سنخ ذات «جسم» شناخت ابعاد او، روش‌های حسی، سنخ مسائل الهیات، و شناخت و روش عقلی را طلب می‌کند. از این رو، اگر جریان را صرفاً تک‌بعدی تعریف کردیم، در روش‌شناسی نیز تمرکزمان را روی همان یک بعد قرار می‌دهیم. اما اگر هویت جریان چندبعدی شد، باید روش‌های متناسب با ابعاد آن را به کار ببریم. خلاصه این‌که هویت شیء روش شناخت آن را مشخص می‌کند.

اصل تناسب میان روش و ابعاد اشیا از جمله مبانی چهارچوب نظری (پارادایم) علم در سنت اسلامی است. به تعبیر قرآن در آیه ۷۸ سوره نحل، خداوند متناسب با ساحت‌های مختلف نفس‌الامر مجاری متفاوتی را برای ارتباط با واقع در انسان قرار داده است که هرکدام بعدی از ابعاد آن را روشن می‌کند:

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیده‌ها و ضمیرها قرار داد، باشد که سپاس این نعمت‌ها را بدانید و از این‌ها بهره صحیح ببرید (نحل: ۷۸). در این آیه کریمه تصریح شده که انسان در ابتدای تولد فاقد هرگونه شناخت است و خداوند به انسان حواس را عنایت کرده است تا جهان را به این وسیله مطالعه و بررسی کند و به او ضمیر و قوه تجزیه و تحلیل داده که در آنچه از راه حواس به دست می‌آورد، تعمق کند، از ظواهر گذشته به درون اشیا و قوانین حاکم بر آن‌ها راه یابد. این آیه صراحتاً حواس را به‌عنوان ابزار شناخت سطحی و عقل را به‌عنوان ابزار شناخت منطقی و عمقی معرفی می‌کند (مطهری ۱۳۷۷ الف: ۲۳۱-۲۳۲).

بنابراین هرکدام از قوای ادراکی انسان فقط نوع خاصی از ادراک و آگاهی به اشیا را در اختیار انسان می‌گذارد. به عبارتی، هریک از مجاری و ابزار ارتباط با واقع با سطحی از واقعیت مواجه است و معرفتی مناسب با همان سطح را به دنبال می‌آورد. از این رو، بین هر روش با موضوع مورد مطالعه نسبت معناداری برقرار است. خلاصه رابطه بین موضوع و روش را شهید مطهری در بیانی شیوا و عمیق بیان می‌کند:

اسلوب و روش فکری خاص هر علمی عبارت است از یک نوع ارتباط فکری خاص که بین انسان و موضوع آن علم باید برقرار شود و بدیهی است که نوع ارتباط فکری بین انسان و شیئی از اشیا بستگی دارد به نحوه وجود و واقعیت آن شیء. مثلاً اگر شیئی از نوع اجسام است ناچار باید ارتباط جسمانی و مادی بین انسان و آن شیء برقرار شود و احساس و آزمایش عملی همان ارتباطات مادی است که دستگاه فکر با اشیا پیدا می‌کند و اگر آن شیء وجود نفسانی دارد، باید به مشاهده حضوری و نفسانی که یگانه وسیله ارتباط ذهن با آن شیء است پرداخته شود و اگر آن شیء کیفیت عقلانی دارد، یعنی حقیقتی است که عقل با اعمال قوه انتزاع آن را یافته است، باید با سبک قیاس و برهان و تحلیل عقلانی مورد بررسی قرار گیرد (مطهری و طباطبایی ۱۳۷۷: ۴۷۹).

باتوجه به این مبنای روش‌شناسانه، که ارتباط تنگاتنگ و مستقیم بین انتخاب روش و ذات موضوع را بیان می‌کند، در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای، با واکاوی هویت و ابعاد جریان اجتماعی لوازم روش‌شناسانه آن بررسی می‌شود تا از این طریق بتوان روش متناسب با آن را کشف کرد. منظور از «لوازم روش‌شناسانه» هر آن چیزی است که در شناخت و مطالعه جریان کاربرد دارد. یعنی کوشش شده است تا با تحلیل مؤلفه‌ها به این سؤال پاسخ داده شود که برای سلوک در مسیر مطالعه جریان رعایت چه اصول و قواعدی لازم است و توجه به چه نکاتی حرکت در مسیر شناخت و مطالعه جریان را تسهیل و تسریع می‌کند. بنابراین نتیجه این مقاله تحلیلی دست‌یابی به تعداد درخور توجهی از عناوین کلی (قاعده و اصول) و جزئی است که جنبه توصیه‌ای و دستوری دارد یا می‌تواند داشته باشد. این بررسی ظرفیت و مقدمات راه کشف و معرفی روش یا روش‌های مورد نیاز مسیر جریان‌شناسی را فراهم می‌کند و براساس آن می‌توان روش‌شناسی میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی را ساخت. به عبارتی، این عناوین (لوازم روش‌شناسانه) پیش‌نیازهای طراحی و صورت‌بندی روش مطلوب جریان‌شناسی را فراهم می‌آورد.

چنان‌که بیان شد، برای جریان هشت جزء مقوم معرفی شد و در تعریف جریان آمد: «جریان پدیده اجتماعی پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (سیستمی) غیررسمی است که متشکل از مجموعه اصول و فروض معرفتی (نظام مشترک معنایی) بوده که جمعیتی نظام‌یافته براساس آن عمل می‌کند و تأثیر می‌گذارد». باتوجه به جایگاه هر بُعد در منطق تصورات^۵ می‌توان این تعریف را بدین گونه نیز بیان کرد: «جریان نظام اجتماعی بازپویا و متحرک غیررسمی ارگانیک هدف‌مند یا آرمان‌مند است که از مجموعه اصول و فروض

معرفتی تشکیل شده است که جمعیتی نظام‌یافته براساس آن عمل می‌کنند و تأثیر می‌گذارند». آن هشت جزء شامل موارد زیر است:

۱. هویت شبکه‌ای (سیستمی)؛
۲. هویت اجتماعی؛
۳. اصول و فروض (نظام مشترک معنایی)؛
۴. سیلان، پویایی، و حرکت؛
۵. جمعیت و افراد؛
۶. مدیریت و رهبری؛
۷. تأثیرگذاری؛
۸. عدم رسمیت.

در ادامه، ابتدا به اختصار هر کدام از این ابعاد تحلیل می‌شود، سپس سعی می‌شود که لوازم روش‌شناسانه آن استخراج شود.

۲. هویت شبکه‌ای (سیستمی)

شبکه یا نظام مجموعه‌ای از عناصر است که برای تأمین هدف واحد کل واحدی را تشکیل داده‌اند و با یک‌دیگر ارتباط دارند. در هر شبکه بین عناصر رابطه‌ی اصل و فرع برقرار است و تغییر در یک جزء (متغیر) در دیگر اجزا و در کل تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر (از این حیث که جزئی از کل اند) تأثیر مستقل و جدا از مجموعه ندارند^۶ (محمدی و دیگران ۱۳۸۹: ۳۱-۳۴؛ واسطی ۱۳۹۴: ۴۱؛ واسطی ۱۳۹۱: ۴۶؛ رضائیان ۱۳۹۵: ۷۱؛ رایبیز ۱۳۹۶: ۳۰). زمانی که حقیقت جریان را چندوجهی و دارای ابعاد متکثر و متفاوت دانستیم، خواه‌ناخواه هویت آن را شبکه‌ای در نظر گرفته‌ایم. در واقع، هرگاه شیئی از چند عنصر و متغیر تشکیل شده باشد و در عین چندگانگی ابعاد آن را امری واحد تلقی کنیم، امر دیگری نیز دخیل خواهد شد که همان «رابطه» میان عناصر و متغیرهاست. رابطه‌ی میان عناصر و متغیرهای یک شیء از عناصر متفرق شیئی جدید و یک‌پارچه می‌سازد که هویتی شبکه‌ای دارد. بنابراین جریان اجتماعی، که از مجموعه‌ای نیروی انسانی تشکیل شده و دارای اصول و فروض و تأثیرگذاری اجتماعی است، منطقی‌اً هویتی شبکه‌ای یا سیستمی دارد. براساس ادبیات منطبق اسلامی، این شبکه‌ای بودن جنس عالی (جنس بعید) جریان محسوب می‌شود و روح حاکم بر ساختار جریان است.^۷

جریان اجتماعی جایگاه مشخصی در میان طبقه‌بندی‌های سیستم‌ها به‌خود اختصاص داده است. جریان تعاملی جدی با محیط خود دارد و از این رو سیستم باز محسوب می‌شود. هم‌چنین از آن‌جاکه پویا و سیال است و مسیر خود را انتخاب می‌کند، نظامی طبیعی است. جریان و تک‌تک افراد آن هدفی دارند. به همین دلیل جریان جزو سیستم‌های اجتماعی است، اما در طبقه‌بندی رفتاری برخی جریان‌ات هدف‌مند و برخی آرمان‌مند محسوب می‌شوند. بنابراین در طبقه‌بندی نسطحی سیستم‌ها جریان اجتماعی در طبقه هشتم، یعنی سیستم‌های اجتماعی، قرار می‌گیرد که بالاترین سطح سیستم‌های پیچیده قابل‌شناسایی است (اسکات ۱۳۹۳: ۱۳۲، ۱۳۴-۱۳۶، ۱۴۲-۱۴۴؛ محمدی و دیگران ۱۳۸۹: ۴۱-۵۶؛ رضائیان ۱۳۹۵: ۷۰-۷۱؛ رایبیز ۱۳۹۶: ۳۱-۳۷؛ فقیه ۱۳۹۳: ۹؛ الوانی ۱۳۹۵: ۱۷).

سیستمی‌دانستن جریان اجتماعی، غیر از آن‌که لازمه منطقی تحلیل ابعاد آن است و به ایجاد انگاره اولیه از جریان کمک می‌کند، سبب جاری‌شدن ادبیات تفکر و رویکرد سیستمی در جریان‌شناسی می‌شود و به الگوی شناخت و تحلیل جریان قدرت و منطقی‌دوچندان می‌بخشد. مهم‌ترین لوازم روش‌شناسانه این بعد جریان به شرح زیر است.

۱.۲ میان‌رشته‌ای (ترکیبی - تلفیقی) بودن روش جریان‌شناسی

اصلی‌ترین و مهم‌ترین نتیجه روش‌شناسانه هویت سیستمی جریان میان‌رشته‌ای (ترکیبی - تلفیقی) بودن روش مطالعه جریان است. در واقع، اساساً رویکرد میان‌رشته‌ای و رویکرد سیستمی دو روی یک سکه‌اند. از یک سو، موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای همیشه یک سیستم پیچیده است (شیء واحدی که وجوه متفاوت دارد) و میان‌رشته‌ای پژوهی خود نوعی رویکرد سیستمی در روش تحقیق محسوب می‌شود. از سوی دیگر، رویکرد سیستمی نیز از بدو تولد در دامن میان‌رشته‌گی زیسته و خود نتیجه مطالعات میان‌رشته‌ای است (رضائیان ۱۳۷۷: ۱۹-۲۱؛ رضائیان ۱۳۸۷: ۱۰؛ محمدی و دیگران ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹؛ مولر و دیگران ۱۳۹۰: ۳).

مطالعه میان‌رشته‌ای رویکرد و روشی در عرض مطالعات تخصصی و رشته‌ای نیست، بلکه در طول آن است. هر مدل میان‌رشته‌ای در دل خود از تعدادی روش و دانش تخصصی بهره می‌گیرد. راه میان‌رشته‌گی از رشته‌های تخصصی می‌گذرد. به‌عبارتی، پژوهش‌گر میان‌رشته‌ای پدیده چندوجهی را از زوایای رشته‌های مختلف بررسی می‌کند و هر بعدی از آن را از طریق رشته‌ای خاص رمزگشایی می‌کند و از تاریکی به روشنایی

می‌آورد (رپکو ۱۳۹۶: ۱۷۸، ۱۹۳-۱۹۴؛ خورسندی ۱۳۹۶: ۳۶، ۳۸، ۷۷، ۹۹-۱۰۰، ۵۲۸؛ برازو ۱۳۸۷: ۷۰؛ فوردمن ۱۳۸۷: ۲۵۸؛ مورن ۱۳۸۷: ۲۵۲-۲۵۳؛ متین ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۳؛ قراملکی و دیگران ۱۳۸۹: ۷۹).

درواقع روش‌های تخصصی علوم مبتنی بر رویکرد تحلیلی است. در علوم می‌کوشند تا با تحلیل و تجزیه شیء به عناصر و ابعاد سازنده آن و سپس شناخت هر جزء، به شناختی از شیء دست یابند. اما روش میان‌رشته‌ای و تلفیقی، علاوه بر رویکرد تحلیلی، رویکرد ترکیبی را بعد از تحلیل و تجزیه لازم می‌داند تا شناختی جامع، کامل، و یک‌پارچه از شیء به‌دست آید (محمدی و دیگران ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹).

بنابراین، روش جریان‌شناسی قسم خاصی از تقسیمات گونه‌های پژوهش نیست. جریان‌شناسی پژوهشی تبیینی و اکتشافی است. در پژوهش تبیینی مسائل و موضوع شناخت آن روشن است و درواقع تأکید آن شناخت یک موضوع و حل یک مسئله براساس روش‌های علمی است، اما در پژوهش اکتشافی تأکید بر روش است تا موضوعات جدید کشف و شناخته شوند (پاکتچی ۱۳۹۱: ۳۱-۳۳). در مراحل الگوی جریان‌شناسی گاهی تحقیق از نوع تبیینی و گاهی اکتشافی است. آن‌جا که جریان‌شناسی جریانی خاص را شناسایی کرده است و موضوع تحقیق خود قرار می‌دهد، پژوهش تبیینی است، اما آن‌جا که جریان‌شناسی می‌کوشد جریانات فضای فکری یا فرهنگی را کشف و شناسایی کند، پژوهش اکتشافی است.

روش جریان‌شناسی پژوهشی تاریخی (historical research)، تطبیقی-مقایسه‌ای (comparative research)، و تحلیلی (analytical research) است. در پژوهش تاریخی پدیده‌ای در گذر زمان مطالعه می‌شود و حالت‌های قبلی با حالت‌های بعدی‌اش نمایان می‌شود. از آن‌رو که حرکت و در نتیجه زمان جزئی از ذات جریان است، روش‌شناسی جریان‌شناسی ذاتاً پژوهشی تاریخی می‌طلبد. پژوهش تطبیقی یا مقایسه‌ای تحقیقی است که در آن یک پدیده با پدیده‌ای دیگر سنجیده می‌شود و از ره‌گذر مقایسه ویژگی‌هایشان شناخته می‌شود. در الگوی منتخب جریان‌شناسی یکی از روش‌هایی که محقق را به شناخت جامع و صحیح از جریان رهنمون می‌کند، مطالعه مقایسه‌ای جریان‌های رقیب است. پژوهش تحلیلی نیز مدل مرسوم تحقیق است که در آن شیء نه با مقایسه با اشیای دیگر و نه در گذر زمان، بلکه خودبه‌خود مطالعه می‌شود. در این نوع تحقیق با تجزیه و تحلیل شیء به اجزای سازنده آن شناخت حاصل می‌شود. در الگوی جریان‌شناسی نیز، از آن‌جاکه بعضی

از ابعاد جریان مطالعه‌ای تحلیلی می‌طلبد، پژوهش تحلیلی نیز استفاده می‌شود. بنابراین روش جریان‌شناسی الگویی تاریخی - تحلیلی - تطبیقی است (همان: ۳۴-۳۶).
باتوجه به میان‌رشته‌ای بودن جریان‌شناسی، برای الگوی منتخب و مطلوب جریان‌شناسی، لازم است براساس الگوی عام مطالعات میان‌رشته‌ای، متناسب با این موضوع خاص یعنی جریان اجتماعی الگوی مناسبی ارائه شود. در واقع، لوازم هر موضوع موجب تولید اختصاصاتی می‌شود که اعمال آن اختصاصات در الگوی عام مطالعات میان‌رشته‌ای آن الگوی عام را به الگوی خاص و جزئی برای آن موضوع تبدیل می‌کند. بنابراین چنان‌که قدم اول در مطالعه میان‌رشته‌ای تولید شبکه مسائل است، در فرایند جریان‌شناسی نیز قدم اول تولید شبکه مسائل جریان است و به همین ترتیب بقیه مراحل نیز متناسب با هویت جریان شکل می‌گیرند.

۲.۲ بهره‌مندی از منطق سیستم‌ها در جریان‌شناسی

از دیگر لوازم هویت سیستمی جریان حاکم بودن منطق سیستم‌ها بر جریان است. مهم‌ترین رکن منطق سیستم‌ها هم‌معنایی و انسجام میان سیستم است. بنابراین عناصر و ابعاد جریان در نسبتی منسجم با یک‌دیگر قرار دارند و به یک‌دیگر معنا می‌دهند و می‌توان آن‌ها را در نسبت با یک‌دیگر فهمید و معنا کرد. علاوه بر این، عناصر جریان وزن‌های متفاوتی دارند و برخی اصل و برخی دیگر فرع محسوب می‌شوند. منطق سیستم‌ها شیوه مبنایی انتخاب فرضیه موجه از میان حالت‌های مختلف فهم نسبت و عناصر یک جریان است.

۳.۲ جایگاه «ارتباط با محیط» در جریان‌شناسی

محیط از اجزای مشترک سیستم‌های باز است، بنابراین از مهم‌ترین نتایج هویت سیستمی (سیستم باز) جریان ارتباط مؤثر و متقابل با محیط است. در واقع این‌که هویت جریان سیستمی باز باشد، بیش از هر چیزی ارتباطات محیطی را پررنگ می‌کند و بر اهمیت توجه به آن در جریان‌شناسی می‌افزاید. بنابراین یکی از ابعادی که لازم است در جریان‌شناسی مطالعه شود، نوع ارتباط جریان با محیط و نحوه کنترل و مدیریت محیط از جانب جریان است.
غیر از آن‌که بایستی نسبت محیط با جریان شناخته شود، اساساً نفس محیط یکی از کلیدهای ورود به صحنه جریان‌شناسی است. هیچ جریانی خودبه‌خود پدید نمی‌آید. نطفه هر جریان جریان‌های قبلی و عناصر محیطی است. بنابراین با مراجعه به محیط می‌توان

جریان‌های برقرار در آن را شناسایی یا حداقل پیش‌بینی کرد. بر این اساس، لازم است رجوع به تاریخ جزء جدایی‌ناپذیر الگوی مطلوب جریان‌شناسی محسوب شود.

۴.۲ جایگاه «خرده‌سیستم‌ها و کلان‌سیستم‌ها» در جریان‌شناسی

رویکرد سیستمی با ارائه چهارچوب مفهومی منظمی برای فهم و تحلیل عوامل و متغیرهای درونی و بیرونی جریان اجتماعی و روابط میان آن‌ها در قالب «کل» واحد به شناخت «خرده‌سیستم‌ها»، «سیستم اصلی»، و «کلان‌سیستم‌های محیط بر جریان» کمک می‌کند (رضائیان ۱۳۹۵: ۷۰؛ رابینز ۱۳۹۶: ۳۱). بنابراین از مباحث لازم در الگوی جریان‌شناسی شناخت خرده‌سیستم‌ها و کلان‌سیستم‌هاست.

در میان دیگر اجزای جریان دو بُعد بیش‌تر از بقیه در معرض خرده‌سیستم‌شدن قرار دارند: ۱. اصول و فروض جریان و ۲. جمعیت و افراد. به عبارتی، جریان خود نظام است، اما درون این نظام نظام‌های دیگری نیز می‌توانند وجود داشته باشند. اگر اصول و فروض جریان از مجموعه‌ای از گزاره‌های معرفتی متشکل باشند که به صورت لایه‌های اصل و فرع طبقه‌بندی شوند و تعریف شبکه (سیستم) بر آن صادق باشد، نظام مشترک معنایی محسوب می‌شود که می‌توان آن را «نظام فکری» نامید. خرده‌جریان‌ها از نظام فکری بی‌نیازند، اما داشتن نظام فکری قدرت‌مند برای جریان‌های فکری و فرهنگی تأثیرگذار و پیش‌رو اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین در جریان‌شناسی فکری از مراحل الگوی جریان‌شناسی شناخت نظام فکری جریان است. از آن‌جاکه خرده‌سیستم‌ها نیز خود نوعی سیستم‌اند، شناختشان نیز با الگویی سیستمی ممکن است.

علاوه بر نظام فکری، گاهی جمعیت و افراد یک جریان به قدری ساختارمند و منسجم است که خود شبکه‌ای از نیروی انسانی و حتی گاهی سازمان یا سازمان‌هایی را شکل می‌دهند. عموماً جریان‌های سیاسی قدرت‌مند و پیش‌رو شبکه نیروی انسانی دارند و سازمان‌هایی رسمی را نیز به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین در شناخت این بعد از جریان‌های سیاسی باید روش سیستمی به کار گرفته شود.

۵.۲ «دشواری» نظری و عملی روش جریان‌شناسی

از دیگر لوازم و نتایج میان‌رشته‌ای و تلفیقی بودن روش شناخت جریان دشواری بسیار زیاد جریان‌شناسی است. اساساً هر دانش تخصصی یک روش دارد، اما مطالعه میان‌رشته‌ای بار تمام روش‌های دخیل در موضوع را به دوش می‌کشد. میان‌رشته‌گی به اندازه جمع همه

بررسی تحلیلی لوازم روش‌شناسانه ماهیت «جریان اجتماعی» (علی ابراهیم‌پور) ۱۳

روش‌های جزئی سخت است، بلکه چون بین آن‌ها ترکیب می‌کند، از جمع تمام روش‌ها دشوارتر است. هرچه ترکیب بین روش‌ها بیش‌تر و عمیق‌تر باشد، مطالعه دشوارتر و پیچیده‌تر خواهد شد (پاکتچی ۱۳۹۱: ۳۶). دشواری از جمله موانع مهم تحقق صحیح مطالعه میان‌رشته‌ای است. بنابراین جریان‌شناسی به‌مثابه دانشی میان‌رشته‌ای هم بسیار دشوار است و هم مسیری طولانی و زمان‌بر دارد (چاندراموهان ۱۳۸۹: ۲۹، ۳۱؛ رپکو ۱۳۹۶: ۲۱۶، ۲۳۶، ۲۹۸، ۳۵۷؛ خورسندی ۱۳۹۶: ۲۰۶-۲۰۷، ۴۱۱-۴۱۲).

۳. هویت اجتماعی

اجتماعی‌بودن جریان به‌مثابه جنس جریان است. بنابراین احکام عمومی پدیده اجتماعی بر جریان نیز بار می‌شود. دو مورد نتایج روش‌شناسانه این بعد جریان «هم‌معنایی» و «خرد و کلان بودن» است.

۱.۳ استفاده از «خرد و کلان بودن» جریان‌ها در روند شناخت آن‌ها

«پدیده‌های اجتماعی از جهت حجم و اندازه آن‌ها به دو بخش خرد و کلان قابل تقسیم است» (پارسانیا ۱۳۹۱: ۱۳۱). بنابراین جریان‌ها نیز از جهت حجم و اندازه به دو نوع جریان‌های خرد و کلان تقسیم می‌شوند. توجه به این نکته در دو مقام روش‌شناسی مؤثر است: هم در شناخت اجمالی (فرضیه‌سازی) و هم در شناخت تفصیلی و فهم عمیق آن‌ها. در واقع با توجه به نسبت خرد و کلان، می‌توان براساس یک جریان خرده‌جریان یا کلان‌جریان را شناسایی کرد و جریان‌شناسی را گسترش داد.

۲.۳ «هم‌معنایی» جریان‌ها کلید فهم عمیق و شناسایی آن‌ها

جریان‌ها هم‌چون سایر پدیده‌های خرد و کلان اجتماعی جدای از یک‌دیگر شکل نمی‌گیرند؛ هر یک از آن‌ها در برخی از جریان‌های دیگر تأثیر می‌گذارد یا از آن‌ها تأثیر می‌گیرد. تأثیر متقابل جریان‌های اجتماعی در یک‌دیگر موجب می‌شود تا آن‌ها در تناسب با یک‌دیگر شکل بگیرند و وجود نسبت میان آن‌ها از لوازم حتمی و اجتناب‌ناپذیر است (پارسانیا ۱۳۹۱: ۵۵). هم‌معنایی جریان‌ها هم در مرحله شناخت اجمالی و هم شناخت تفصیلی جریان‌شناسی، خصوصاً نحوه شکل‌گیری و نسب‌شناسی جریان و شناخت عمیق نظام معنایی آن، کاربرد دارد.

مبحث اصول فقهی «مخالفت با عامه» نمونه‌ای از هم‌معنایی جریان‌هاست و این‌که جریان رقیب بتواند در فهم جریانی که با او در تقابل است، مؤثر باشد.^۸ مخالفت با عامه از راه‌های ترجیح روایت از میان دو روایت متعارض بیان شده است (انصاری ۱۴۲۸: ۱۴۰؛ مکارم ۱۴۲۸: ۵۸۸؛ مظفر ۱۳۸۷: ۵۸۶). بدین معنا که مخالفت با جریان رقیب یکی از نشانه‌هایی است که می‌تواند برای فهم جریان مرجح باشد؛ البته چنین نشانه‌ای نیز می‌تواند به اصول درونی دیگر جریان، در این مثال تقیه (رویکردی عملیاتی)، بازگردد.

عموماً جریان‌هایی که شکل می‌گیرند، در جریان‌های قبلی ریشه دارند یا انشعابی از آن‌ها هستند یا در مقابل آن‌ها شکل گرفته‌اند. جریان‌ها در تأثیرها و انتخاب شیوه و روش عمل و فعالیت ناظر به هم عمل می‌کنند. هر جریانی متناسب با جریان‌های هم‌ردیف و رقیب گرایش‌های خود را انتخاب می‌کند. بنابراین از این نکته هم در شناخت اولیه و تشخیص جریان‌ها و هم در شناخت تفصیلی و عمیق آن‌ها می‌توان بهره برد.^۹

۴. نظام مشترک معنایی

رکن اصلی هویت جریان و ستون فقرات او را اصول و فروض یا نظام مشترک معنایی آن جریان تشکیل می‌دهد. جریان به واسطه تغییر افرادش عوض نمی‌شود، بلکه به واسطه تغییر نظام معنایی‌اش تغییر می‌کند. اصالت این رکن بر ارکان دیگر جریان بدین معناست که مابقی ارکان (جمعیت، مدیریت، و تأثیرگذاری) از این رکن ریشه می‌گیرند. این‌که جریان چه تأثیری می‌گذارد و چه تأثیری خواهد گذاشت، چه نوع رهبری و مدیریتی برای اداره جریان انتخاب می‌کند، و چه افرادی را در جایگاه مخاطب و چه افرادی را در جایگاه نیروهای اجرایی خود انتخاب می‌کند عموماً همگی به اصول و فروض جریان بازمی‌گردد. اصول و فروض نیروها را دسته‌بندی می‌کند.

به عبارت دیگر، عامل اصلی افتراق جریان‌ها تفکر و اندیشه آن‌هاست، نه افراد؛ خواه جریان حق و خواه جریان باطل. این نکته دقیقاً مضمون روایت حضرت امیر است: «لَا يَعْرِفُ الْحَقُّ بِالرَّجَالِ اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ حق با انسان‌ها شناخته نمی‌شود، حق را بشناس تا اهلش را بشناسی» (مجلسی ۱۴۰۳ق: ۱۲۶). یا در عبارتی مشابه از حضرت نقل شده است: «انَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يَعْرِفَانِ بِأَقْدَارِ الرَّجَالِ، اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ وَاعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفِ أَهْلَهُ» (مطهری ۱۳۷۷ج: ۳۰۸).^{۱۰}

گاهی اصول و فروض جریانی مشخص و رسمی است و گاهی نامشخص و چه‌بسا موردانکار ظاهری آن جریان. گاهی اصول منطقی‌اند و گاهی غیرمنطقی؛ گاهی حق‌اند و

گاهی باطل و گاه ملغمه‌ای از آن‌ها؛ گاهی انسجام درونی دارند و گاه بی‌انسجام‌اند (پیغامی ۱۳۹۳؛ کوشکی ۱۳۹۳). توجه به همه این حالت‌ها و شقوق در شناخت اصول و فروض (نظام مشترک معنایی) جریان لازم و تأثیرگذار است.

۱.۴ تمرکز اصلی جریان‌شناسی بر شناخت «رکن رکن» جریان

باتوجه به این‌که اصلی‌ترین رکن جریان همین رکن است، عمده همت جریان‌شناسی بر شناخت دقیق نظام مشترک معنایی جریان است. خصوصاً باتوجه به این‌که پیش‌بینی جریان از فهم نظام مشترک معنایی آن به‌دست می‌آید و کسب قدرت پیش‌بینی از اصلی‌ترین اهداف جریان‌شناسی است. جریان‌شناسی می‌کوشد با روش‌های مطلوب این بعد جریان را در حد مقبول و موجه شناسایی و معرفی کند. بر همین اساس، روش‌های تحلیل محتوای کیفی مثل نظریه زمینه‌ای روش‌های اصول فقهی - هرمنوتیکی و روش‌های تحلیل گفتمان به‌منزله ابزارهای روشی برای فهم عمیق نظام مشترک معنایی در جریان‌شناسی توصیه و استفاده می‌شوند. اهمیت ذاتی این بعد و سیطره نظام مشترک معنایی جریان بر دیگر ابعاد آن نقش اساسی اهتمام به شناخت آن در روش‌شناسی جریان‌شناسی را بیان می‌کند.

۲.۴ ارزیابی براساس اهداف و آرمان‌ها

از دیگر لوازم روش‌شناسانه این بُعد جریان توجه به اهداف و آرمان‌های جریان است که جزئی از نظام مشترک معنایی جریان محسوب می‌شود. در واقع درمیان اجزای نظام مشترک معنایی اهداف و آرمان‌های جریان اهمیت بالاتری دارند. اهداف تصور جریان از وضعیت مطلوب را مشخص می‌کند. اهداف جریان نقشی اساسی در ارزیابی جریان دارد و محور اصلی تحلیل و پیش‌بینی جریان به‌شمار می‌رود (اسکات ۱۳۹۳: ۴۰)؛ بنابراین در بین ابعاد دیگر جریان، نظام مشترک معنایی و درمیان نظام مشترک معنایی اهداف و آرمان‌ها عنصر کلیدی و اساسی محسوب می‌شوند.

۵. سیلان، پویایی، و حرکت

جریان ایستا نیست، در تکامل یا فرود است. هویت جریان پویاست. افراد در گذر زمان به آن وارد و از آن خارج می‌شوند. در افراد تأثیر می‌گذارد و از افراد تأثیر می‌پذیرد. اگر

بسته‌ای از اصول و فروض حتی به صورت نظام مشترک معنایی در اذهان عده‌ای ایجاد شود، اما پویایی نداشته باشند، جریان شکل نمی‌گیرد. حتی برخی از اصول و فروض در گذر زمان و مکان و بر اثر ورود و خروج افراد و مواجهه با مسائل، پدیده‌ها، و جریان‌ها، و جریانات جدید و به طور کلی بنابر مقتضیات زمان و مکان ممکن است تغییر کند و این پویایی و حرکت در جوهر جریان هم اتفاق بیفتد. این تغییر ممکن است رو به جلو و در جهت تقویت جریان یا رو به عقب و در جهت تضعیف جریان باشد. جریان باید نسبت به سوالات، نیازها، افراد، و کلیه عوامل و پدیده‌هایی که با جریان مرتبط است عکس‌العمل نشان دهد و حتی اگر در مقطعی عکس‌العمل نشان نمی‌دهد، همین سکوت پاسخ او محسوب می‌شود. جریان ایستا جریان نیست، مرده است، و به تاریخ جامعه پیوسته است. البته به این نکته هم باید توجه کنیم که جریان به راحتی شکل نمی‌گیرد و به راحتی و به زودی نیز نمی‌میرد. اگر چیزی حالت جریانی گرفت، به این سادگی‌ها مردنی نیست.

از سیلان و پویایی به منزله یکی از ارکان نام بردیم، اما لازم است توجه کنیم که سیلان و پویایی رکنی هم عرض باقی ارکان مثل اصول و فروض، تأثیرگذاری (فعالیت)، و جمعیت نیست.^{۱۱} حرکت و پویایی به تنهایی رکن قابل شناسایی در جریان نیست و تأثیری مستقل در جریان‌شناسی ندارد، جز آن‌که با فراهم آوردن امکان طرح فرمول حرکت، ادبیات و روشی را برای شناسایی پویایی جریان معرفی کند. بنابراین نتایج روش شناسانه این بعد بدین شرح است.

۱.۵ توجه به متغیرهای حرکت به مثابه الگوی حرکت‌شناسی جریان

حرکت تغییر تدریجی است.^{۱۲} هستی‌شناسی حرکت و ویژگی‌های آن از مباحث پرسابقه، عمیق، و البته پیچیده در فلسفه اسلامی است.^{۱۳} هر حرکتی لوازم و مشخصاتی دارد که متغیرهای آن حرکت‌اند و با تغییر آن‌ها حرکت متفاوت خواهد شد. مقومات و لوازم حرکت در کنار یکدیگر معادله حرکت را می‌سازند که چهارچوب هر شیء یا اثر متحرک و پویا را می‌توان براساس آن شناخت و پیش‌بینی کرد. بنابراین شناخت معادله حرکت برای شناخت متغیرها و ابعاد یک شیء پویا (نظیر سیستم‌های پویا هم‌چون «جریان») کاربرد دارد و ضروری است.^{۱۴} متغیرهای حرکت به طور خلاصه عبارت است از چه چیزی، در چه بستری، در چه مداری، در چه جهتی، با چه سرعت و شتابی، از چه مبدئی، به چه مقصدی، در چه زمانی، و به وسیله چه کسی حرکت می‌کند؟

بنابراین متغیرهای ضروری حرکت در جریان که لازم است در جریان‌شناسی شناخته شود تا بتوان جریان را پیش‌بینی کرد، سیستم جریان (متغیر موضوع)، جغرافیا، فکر، فرهنگ، و سیاست (متغیر بستر)، برنامه‌ها و مسیر جریان (متغیر مدار و جهت)، تاریخ (متغیر زمان، سرعت، و شتاب)، آغاز و هدف جریان (متغیر مبدأ و مقصد)، و نیروی انسانی و جمعیت جریان (متغیر محرک) است.

۲.۵ ارزیابی پتانسیل جریان براساس حرکت‌شناسی آن

گاهی حرکت را به خروج تدریجی شیء از پتانسیل (قوه) به فعلیت تعریف می‌کنند (مصباح ۱۳۹۴: ۲۹۶؛ مطهری ۱۳۷۷: ۶۹۱). با شناخت دقیق چهارچوب‌های حرکت جریان می‌توان پتانسیل آن را برای دستیابی به اهداف موردادعا سنجید. بنابراین فرمول حرکت در «ارزیابی» جریان کاربرد دارد.

۳.۵ جلوگیری از ساده‌اندیشی در نفی جریان‌ها

جریان به‌راحتی شکل نمی‌گیرد و به‌راحتی و به‌زودی نیز نمی‌ایستد. توجه به این نکته کمک می‌کند تا در شناخت جریان‌ها دچار ساده‌اندیشی نشویم و جریان زنده را مرده نپنداریم و به‌عکس.

۴.۵ لزوم توجه به «زمان» در روش‌شناسی جریان‌شناسی

مطالعه جریان‌شناسانه مطالعه‌ای پویایی‌شناسانه است، نه ایستایی‌شناسانه. هویت جریان در زمان معنا پیدا می‌کند. زمان حقیقتی ممتد است که از «بود» شروع شده و «است» را دربرگرفته و تا «خواهد بود» کشیده شده است. این‌که گفته می‌شود از اهداف جریان‌شناسی قدرت پیش‌بینی است، در همین نکته ریشه دارد. جریان امروز تأثیرگذاری خاصی را برای فردا برنامه‌ریزی کرده است.

متناسب با این نکته، اصطلاح «زمان جریان» را تعریف می‌کنیم. «زمان جریان» زمانی است که جریان در ظرف آن تحقق داشته است. جریان ممکن است در زمان حال تحقق داشته باشد یا ممکن است در زمان گذشته به‌وجود آمده باشد و چندی بعد از بین رفته باشد. نکته مهم روش‌شناسانه این‌که در زمان‌های بعدی اگر کسی بخواهد آن جریان را مطالعه کند، بایستی به منابع مربوط به «زمان جریان» رجوع کند.

۵.۵ اهمیت تاریخ و پژوهش تاریخی در جریان‌شناسی

براساس همین بُعد جریان است که اهمیت دانش تاریخ به منزله یکی از منابع اصلی مطالعات جریان‌شناسانه بیش از پیش روشن می‌شود. اساساً پژوهش تاریخی زمانی به وجود می‌آید که بخواهیم یک شیء را در حد فاصل انتقال از زمان الف به زمان ب مطالعه کنیم. در واقع، هنگامی که شیئی زمانی را طی می‌کند، می‌تواند از همین حیث موضوع پژوهشی تاریخی واقع شود (پاکتچی ۱۳۹۱: ۷۶).

۶. جمعیت و افراد

زمانی که جریان را پدیده‌ای اجتماعی دانستیم، بدیهی است که باید جمعیت و افرادی بیش از یک نفر در میان باشند. ناظر بودن بر دیگران و لحاظ افراد دیگر در کنش اجتماعی اخذ شده است (پارسانیا ۱۳۹۱: ۵۱). از این نظر جمعیت و افراد رکنی هم‌عرض هویت اجتماعی نیست، بلکه نمود عملی و لازمه آن است. دلیل آن که جمعیت و افراد رکنی مستقل مطرح شده‌اند آن است که انواع و اقسام جمعیت مرتبط با یک جریان معرفی شوند.

جمعیت و افراد جریان به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) مقومین: افرادی که جریان را شکل می‌دهند. این افراد خود به پنج گروه تقسیم می‌شوند: مؤسسان، مدیران، رهبران، مفسران، مروجان، و مجریان و ب) مخاطبان: افرادی که جریان برای آن‌ها کار می‌کند و در آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

نکات روش‌شناسانه این بعد جریان را بررسی می‌کنیم.

۱.۶ لزوم شناسایی گروه‌ها و افراد جریان

ممکن است جریانی در بخش مقومین تمام پنج گروه را نداشته باشد. برای نمونه، جریان متناسب با نیاز خود می‌تواند مروج داشته باشد یا نداشته باشد. هم‌چنین ممکن است افراد عناوین مختلفی در جریان داشته باشند.

برای مثال شخصی هم مجری، هم مروج، و هم مفسر باشد. اصل مطلب آن است که در فرایند شناخت جمعیت جریان مخاطبان و مقومین جریان تفکیک شوند و مقومین جریان تاحد ممکن شناخته شوند.

۲.۶ توجه به میزان آگاهی (التفات) کنش‌گران جریان

این‌که فردی مجری، مروج، مخاطب، و یا حتی مؤسس یک جریان باشد، گاهی آگاهانه (التفاتی) و هوشمندانه و گاهی ناآگاهانه (غیرالتفاتی) است. از این‌رو، از نتایج و ضرورت‌های جریان‌شناسی ایجاد چنین بصیرتی است که افراد بدانند در پازل چه جریانی بازی می‌کنند و مخاطب و موثر چه جریان‌هایی‌اند. بنابراین در شناخت جریان همیشه نمی‌توان به اعتراف افراد آن اعتماد کرد. چه‌بسا افرادی حضور و حتی مدیریت جریانی را انکار کنند، اما در واقع این‌طور نباشد.

۳.۶ لزوم شناسایی منسجم «خصوصیات کنش‌گران»

از عوامل قدرت جریان تعداد و نوع جمعیت افراد آن است. نیروهای انسانی جریان می‌توانند ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند که بررسی آن‌ها ضروری است. میزان وفاداری افراد به جریان از متغیرهای مهم در شناخت نیروهاست. وفاداری بدین معناست که پیوستگی و رابطه افراد با جریان چه قدر مستحکم است. از ویژگی‌های دیگر نظام نیروهای انسانی جریان انحصار و عدم انحصار است. این‌که آیا جریان عضو جدید می‌پذیرد یا خیر، این ویژگی را مشخص می‌کند. اگر جریان عضوپذیر است، فرایند جریان‌پذیری، به معنای این‌که جریان فرد را و فرد جریان را در جایگاه عضو بپذیرد، چگونه است؟ هم‌چنین، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد جریان نظیر توزیع سنی، جنسی، و سواد برای بسیاری از دیگر جنبه‌های جریان نتایج مهمی دربر دارد (اسکات ۱۳۹۳: ۳۸-۳۹). در زمینه مخاطبان باید سن، جنسیت، تحصیلات، آگاهانه یا غیرآگاهانه بودن، مخاطب مستقیم یا غیرمستقیم بودن، و تصریح شدن یا نشدن بر مخاطب بودن آن‌ها بررسی شود. هم‌چنین این‌که آیا صرفاً افرادی مقومین جریان‌اند یا سازمان، ادارات، یا احزابی این نقش را برعهده دارند، اهمیت دارد.

۴.۶ بهره‌گیری روش‌شناسانه از «تسمیه جریان» به نام مؤسس به‌منزله نقطه

ورود به جریان‌شناسی

گاهی جریان را به نام مؤسس آن نام‌گذاری می‌کنند. این نکته در شناخت اجمالی و تفصیلی جریان تأثیرگذار است. چنین نام‌گذاری‌ای علاوه بر آن‌که اهمیت آن شخص را می‌رساند، می‌تواند نقطه شروعی برای شناخت دیگر افراد جریان باشد، زیرا این شخص با آن‌ها ارتباط دارد.

۵.۶ «روابط شبکه‌ای استاد - شاگردی» راه شناخت اجمالی و تفصیلی جریان‌ها

از راه‌های شناخت جریان (در هر دو مقام شناخت اجمالی و شناخت تفصیلی) توجه به روابط استاد و شاگردی است. روابط استاد و شاگردی هم در نسب‌شناسی جریان مؤثر است و هم می‌تواند در فهم عمیق نظام مشترک معنایی جریان تأثیرگذار باشد. نتیجه این مسئله خصوصاً در جریان‌های فکری بیش‌تر رخ می‌نمایاند. چنان‌که در بین محققان علوم مختلف متداول است، فهم عمیق سخن نظریه‌پرداز را در عبارات استاد و شاگردش جست‌وجو می‌کنند.

۷. مدیریت و رهبری

مدیریت و رهبری هم‌عرض رکن جمعیت و افراد تأکیدی بر مدیریت‌داشتن جریان است. زمانی که «مدیریت و رهبری» به منزله یکی از گروه‌های پنج‌گانه مقومین جمعیت جریان ذکر شد، به چنین رکنی نیز اشاره شد. در این بحث فقط به چند نکته اشاره می‌شود.

۱.۷ لزوم شناسایی مدیر و رهبر

برخی از جریان‌ها ممکن است بدون مروج یا مفسر ادامه حیات دهند، اما ادامه حیات جریان نیازمند مدیریت و رهبری است. به عبارتی، جزء جدانشدنی مقومین جمعیت جریان مدیر و رهبر است. دلیل این نکته در لزوم «تأثیرگذاری» جریان است. لازمه هر اثر و عمل رو به جلو و هدف‌دار نظم و لازمه نظم مدیریت و رهبری است. هرچه بعد سیلان، اثر، و عمل بیش‌تر می‌شود، مدیریت رسمی‌تر و آگاهانه‌تر می‌شود و به‌عکس.

۲.۷ بهره‌گیری روش‌شناسانه از «تسمیه جریان» به نام رهبر و مدیر

گاهی جریان را با نام مؤسس و گاهی نیز با نام مدیر و رهبر آن نام‌گذاری می‌کنند. از این حیث همان نتایج را، که پیش‌تر بیان شد، می‌تواند به‌دنبال داشته باشد.

۳.۷ لزوم شناخت نوع، شیوه، و روش مدیریت و رهبری جریان

شناخت نوع و شیوه مدیریت و رهبری جریان نقش مهمی در فهم شبکه‌ای تأثیرات آن و پیش‌بینی ایفا می‌کند. گاهی رهبری و مدیریت جریان از جانب شخصی آگاهانه (التفاتی) و

هوشمندانه و گاهی غیرآگاهانه است. جریان به رهبری او تصریح می‌کند، اما گاهی مدیریتش رسمی نیست و معنوی است و حتی ممکن است موردانکار واقع شود. گاهی یک نفر و گاهی چند نفر است. تمام حالت‌های فوق در شناخت نوع مدیریت جریان تأثیر دارد. بر همین اساس، جریان‌شناس از تقسیم‌بندی‌های دانش مدیریت برای شیوه‌های مدیریت و رهبری استفاده می‌کند.

۸. تأثیرگذاری

بعد از رکن «اصول و فروض»، گلوگاه و رکن اصلی جریان «تأثیرگذاری» است. تقسیم جریان به فکری، فرهنگی، سیاسی، و... از نظر رکن تأثیرگذاری جریان است. جریانی که در فضای فکری جامعه تأثیر می‌گذارد جریان فکری، جریانی که در فضای فرهنگی تأثیر می‌گذارد جریان فرهنگی، و جریانی که در فضای سیاسی تأثیر می‌گذارد جریان سیاسی است.

تأثیرگذاری جریان ثمر، بروز، و ظهور جریان و نتیجه جمعیت و برنامه‌ریزی و مدیریت جریان است. بنابراین تمامی ابعاد دیگر در این قسمت خودنمایی می‌کنند. از این‌رو، نوع تأثیرگذاری جریان می‌تواند مشخص‌کننده ابعاد و اوصاف دیگر (نظیر نوع مدیریت، مخاطبان، و استفاده از نیروها) آن باشد. نکات تأثیرگذار این بعد جریان در روش‌شناسی به شرح ذیل است.

۱۸ لزوم شناخت زمینه‌های تأثیر متناسب با هر جریان

باتوجه به آنچه گذشت، «تأثیر» مأخوذ در این رکن عنوانی عام است که تمامی اتفاقات و پدیده‌ها را شامل می‌شود. بدیهی است که روش خاصی برای شناخت مطلق پدیده‌ها با آن طیف وسیع (فکری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، هنری، ورزشی، و...) وجود ندارد. بنابراین در روش‌شناسی عام جریان‌شناسی نمی‌توان آن را بررسی کرد. در روش‌شناسی مضاف هر یک از انواع جریان‌شناسی بایستی به تفصیل نوع تأثیرگذاری هر قسم و نحوه رصد و شناخت آن‌ها بررسی شود. در روش‌شناسی عام جریان‌شناسی بایستی فقط مسائل مشترک بررسی شود. در تأثیرگذاری بایستی به زمان، مکان جغرافیایی، نوع و تیپ افراد، و عمق تأثیرگذاری توجه کرد و از روش‌های متناسب با شناخت آن بهره برد.

۲۸ جایگاه تأثیر به‌منزله «ملاک پویایی و حیات جریان» در فرایند جریان‌شناسی

شناخت تأثیرها اثبات‌کننده سیلان و پویایی جریان است. بنابراین جریانی که تأثیر نداشته باشد، پویایی ندارد. از این رو، تأثیرگذاری جریان عامل تمییز جریان‌های زنده از مرده است. بنابراین در جریان‌شناسی مهم‌ترین ملاک برای اثبات حیات یا عدم حیات جریان تمسک به تأثیرهای جریان است.

۳۸ تأثیرگذاری به‌مثابه نقطه شروع جریان‌شناسی

تأثیرگذاری از بهترین نقاط شروع در شناخت اجمالی^{۱۵} جریان‌هاست. با رصد محیط‌ها و دسته‌بندی تأثیرات حاصل شده می‌توان به شناخت اولیه از جریان‌ها دست یافت یا حداقل جریان‌های احتمالی را تخمین زد.

۴۸ «ارزیابی ارکان دیگر» در پرتو تأثیرگذاری

بررسی تأثیرگذاری جریان می‌تواند از عوامل فهم عمیق نظام معنایی مشترک جریان باشد و سایر ارکان جریان را براساس نوع تأثیرگذاری ارزیابی کرد. برای نمونه، مجملات و متشابهات اصول و فروض را می‌توان با تأثیرهای جریان درک و فهم کرد.

۹. عدم رسمیت

رسمیت میزان تکیه و ابتدای جهت و حرکت رفتار سازمان یا گروه و اعضای درون آن به اسناد مکتوب و معین است که شامل^{۱۶} قوانین، مقررات، رویه‌ها، خط‌مشی‌ها، و شعایر می‌شود (رابینز ۱۳۹۶: ۲۳، ۱۰۳، ۱۱۲؛ الوانی ۱۳۹۵: ۳۱۵). رسمیت با مکتوب‌بودن پیوند خورده است. تقریباً محققان اتفاق نظر دارند که میزان مکتوب‌بودن اسناد معیار واضح و اصل اندازه‌گیری رسمیت است (رابینز ۱۳۹۶: ۱۱۳). هر قدر بتوان فعالیت افراد را با اسناد مکتوب توجیه کرد، فعالیت رسمی‌تر است. از نتایج رسمیت سازمانی «آگاهانه» بودن آن است. در واقع، هر چه رسمیت سازمان افزایش می‌یابد، اهداف صریح‌تر می‌شود و فعالیت‌ها وضوح بیش‌تری پیدا می‌کند و این صراحت و وضوح معیار مشخصی برای انتخاب این فعالیت، از میان فعالیت‌های جای‌گزین، به‌دست انسان می‌دهد (اسکات ۱۳۹۳: ۴۵). از این رو، رسمیت سازمانی آگاهانه‌بودن فعالیت در آن را افزایش می‌دهد.

جریان ذاتاً هویتی ژله‌ای (کوشکی ۱۳۹۳) و غیررسمی دارد و از هرگونه رسمیت‌بخشی پرهیز دارد و حتی گاهی ضدرسمی است. ازاین‌رو، جریان را نمی‌توان در هیچ‌یک از سازمان‌های رسمی ادعایی یا شأنی قالب‌بندی کرد و همواره از چنین رسمیتی فرار می‌کند. هم‌چنین جریان اجتماعی از این حیث که از رسمیت پیدا کردن می‌پرهیزد، آگاهانه‌بودن فعالیت افراد در آن شرط نیست؛ بلکه عموماً نوعی مدیریت نرم و ناپیدا دارد که افراد، خصوصاً اعضای بدنه، بدون آن‌که به نحوه پذیرش و درونی شدن نظام مشترک معنایی در خود علم تفصیلی (علم به علم) داشته باشند، به آن معتقدند و حتی گاهی براساس شعارها و تبلیغات ظاهری به آن گرویده‌اند و چتر معرفتی نظام مشترک معنایی را بیش خود تلقی می‌کنند و براساس آن فعالیت می‌کنند. ازاین‌رو، جریان ذاتاً به‌سوی استفاده ناآگاهانه از نیروهای انسانی بی‌میل نیست و بسیاری از افراد جریان بدون آگاهی التفاتی در جریان‌ها فعالیت می‌کنند. مهم‌ترین لوازم روش‌شناسانه این بعد جریان از این قرار است.

۱.۹ لزوم سنجش میزان رسمیت و التفاتی‌بودن ابعاد

از فعالیت‌های جریان‌شناس بررسی میزان رسمیت جریان است. میزان رسمیت، متناسب با دیگر ابعاد جریان، ممکن است متفاوت باشد. هرچه جریان ساده‌تر باشد، امکان رسمیت آن بیش‌تر است و هرچه جریان تخصصی‌تر باشد، امکان رسمیت آن کم‌تر است. یا هرچه جریان نخبگانی‌تر، حرفه‌ای‌تر، و نیروها آگاه‌تر و بصیرتر باشند، رسمیت آن کم‌تر است و هرچه جریان وسیع‌تر و عمومی‌تر باشد، رسمیت آن ناگزیر بیش‌تر است (رایبیز ۱۳۹۶: ۱۱۴). رسمیت در بخش‌های گوناگون جریان نیز می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً در مبانی و اصول رسمیت بیش‌تر و در برنامه‌ها رسمیت کم‌تری داشته باشد.^{۱۷}

۲.۹ وسیع‌تربودن جریان از ساختارهای رسمی و لزوم سنجش آن با ادعاها

همیشه جریان وسیع‌تر از ساختار رسمی موردادعای خویش است. بر این اساس، حتی اگر جریانی به‌طور رسمی ادعای رسمیت کند و اسناد مکتوب ارائه دهد، باز هم نمی‌توان در شناخت اصول و فروض آن جریان به آن اسناد مکتوب بسنده کرد. به‌عبارتی، آن اسناد مکتوب اسنادی شأنی‌اند؛ بدین معنا که صرفاً شأنی‌ت قرارگیری در جای اصول و فروض رسمی را دارند و هیچ‌گاه کاملاً بر آن منطبق نیستند. درواقع، سنجش نسبت انطباق یا عدم‌انطباق میان اصول و فروض واقعی با اسناد مکتوب شأنی از مسائل مهم جریان‌شناسی

است. جریان‌شناس باید بکوشد با سنجش این نسبت کشف کند که چرا جریان چنین اسنادی را رسمیت بخشیده و به‌منزله هویت خود معرفی کرده و این‌که از این ادعا و معرفی چه اهداف پشت صحنه‌ای مُراد است.

۳.۹ منابع «رسمی» به‌مثابه نقطه شروع جریان‌شناسی

منابع و ادعاهای رسمی می‌توانند نقطه شروع شناسایی جریان‌ها باشند. در واقع، با بررسی منابع مکتوبی که وجود جریانی را ادعا کرده‌اند، می‌توان اولین فرضیه‌ها درباره وجود جریان‌ها را ساخت.

۴.۹ لزوم رصد قوی در جریان‌شناسی

از نتایج مهم روش‌شناسانه هویت ژله‌ای جریان ابهام و عدم صراحت مرزهای جریان است و مطالعه چنین پدیده‌ای ذاتاً رصد و بررسی‌ای قوی را می‌طلبد. این بعد جریان به ابعاد دیگر جریان رنگ می‌دهد. بنابراین شناخت دیگر ابعاد جریان نظیر جمعیت، رهبری، و اصول و فروض را سخت و دشوار می‌کند.

۱۰. نتیجه‌گیری

برای تقویت هویت دانشی جریان‌شناسی لازم است کار درجه‌دومی روی آن انجام شود. از مهم‌ترین فعالیت‌های درجه‌دومی روش‌شناسی جریان‌شناسی است. لازمه روش‌شناسی جریان‌شناسی تحلیل روش‌شناختی تعریف مختار از «جریان» است.

باتوجه به رابطه مستقیم و عمیق میان موضوع و روش در چهارچوب نظری علم در سنت اسلامی، بررسی تحلیلی ابعاد جریان اجتماعی لوازم روش‌شناسانه خاصی را نتیجه می‌دهد. نتیجه این بررسی تحلیلی دستیابی به تعداد درخور توجهی از عناوین کلی (قاعده و اصول) و جزئی است که در مسیر جریان‌شناسی جنبه توصیه‌ای و دستوری دارد یا می‌تواند داشته باشد. این عناوین (لوازم روش‌شناسانه) پیش‌نیازهای طراحی و صورت‌بندی الگوی علمی مطلوب برای جریان‌شناسی را فراهم می‌آورد.

این مقاله کوشید تا این لوازم را استخراج کند که در نهایت به سی عنوان روش‌شناسانه لازم یا مؤثر در فرایند جریان‌شناسی دست یافت. این سی عنوان را می‌توان در قالب نمودار ۱ خلاصه کرد.



نمودار ۱. سی عنوان روش‌شناسانه لازم یا مؤثر در فرایند جریان‌شناسی

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله در پنجمین کنگره علمی - پژوهشی بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (صدر) ارزیابی و پذیرفته شده است.
۲. برای نمونه، دو درس اصلی کارشناسی ارشد مدیریت راه‌بردی فرهنگ، «جریان‌شناسی فکری فرهنگی ایران معاصر»، و «جریان‌شناسی فکری فرهنگی جهان معاصر» است.
۳. این‌که جریان‌شناسی «دانش» است یا «روش» پرسشی به‌جا و محل تأمل است. این مقاله جانب «دانش» را تقویت کرده و بر آن اساس نگاهشده شده است. دانش‌دانستن جریان‌شناسی بر این استدلال استوار است که بنابر مبنای هستی‌شناسی اجتماعی محققان معاصر (بنگرید به پارسانیا ۱۳۹۱) جامعه هویتی عینی دارد. براساس تعریف مختار از جریان نیز جریان اجتماعی هم‌چون خود جامعه هویتی عینی دارد. از آن‌جاکه در چهارچوب نظری علم در سنت اسلامی، علم به موضوعات تعریف می‌شود و هر علمی موضوع یا حیثی از یک موضوع را می‌کاود و از طرفی مطابق تعریف مختار از جریان، برای جریان هویت و ذاتی عینی قائل شدیم، بنابراین جریان‌شناسی دانشی است که موضوعی عینی دارد و آن را مطالعه می‌کند.
اما به نظر می‌رسد دانش‌دانستن مانع روش‌دانستن آن نیست. برای نمونه، فلسفه هم‌چنان‌که یک دانش محسوب می‌شود، می‌توان به‌صورت «روش» نیز آن را به‌کار برد و مسائل و موضوعات مختلف را با همان روش فلسفی کاوید. از این‌رو از چیزی به نام «روش فلسفی» نیز یاد می‌شود. به‌عبارتی، فلسفه دانش است، اما رویکردی برای تقارب به موضوعات دارد که می‌توان در مسائل گوناگون از آن بهره برد. به همین اعتبار، جریان‌شناسی نیز ذاتاً دانش است، اما می‌توان از نحوه مواجهه آن با موضوعات به‌مثابه روش استفاده کرد.
- به‌نظر می‌رسد که براساس این نگاه، وجه تمایز جریان‌شناسی به‌مثابه روش با روش‌های متداول مثل تحلیل گفتمان بسیار روشن خواهد شد؛ زیرا براساس مبانی تحلیل گفتمان، گفتمان صرفاً هویتی برساختی دارد و در تقابل با غیر معنا می‌شود. بنابراین چیزی به نام دانش گفتمان‌شناسی نمی‌توان تصور کرد، اما جریان هویتی عینی و حقیقی دارد و می‌تواند فی‌نفسه و نه الزاماً در تقابل با غیر مطالعه شود. از این‌رو، هم‌چون سایر دانش‌ها، که موضوعی عینی دارد، جریان‌شناسی هم می‌تواند هویتی دانشی داشته باشد و صرفاً روش صورت‌بندی و شناخت نیست.
۴. مراد از «چهارچوب و مبانی نظری علم در سنت اسلامی (پارادایم علم اسلامی)» مبانی کلان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و روش‌شناسی است که در سنت اسلامی هم‌چون «چتر معرفتی جهت‌بخش» بر حکمت اسلامی احاطه دارد و طی تمدن اسلامی این سنت نظری به علوم گوناگون جهت داده است. این اصول بنیادین معرفتی به‌صورت مجموعه منسجم زیربنایی مورد تصریح حکما نبوده است، اما یا در لابه‌لای مباحث خود آن را بررسی کرده‌اند یا هم‌چون روحی در کالبد حکمت اسلامی جریان داشته است، بدون آن‌که به آن التفات تفصیلی داشته

باشند. محققان معاصر، نظیر علامه طباطبایی و شاگردان وی، در عصر جدید تلاش کرده‌اند این اصول و مبانی را برجسته کنند و به صورت چهارچوبی سازوار ارائه دهند و این تلاش از جانب شاگردان وی طی دهه‌های اخیر ادامه دارد. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد همان‌گونه‌که نظام اندیشه اسلامی توانست علوم مختلفی را در تمدن اسلامی پایه‌گذاری کند، بازخوانی چهارچوب کلان معرفتی حکمت اسلامی ظرفیت آن را دارد که به‌صورت «پارادایم علم اسلامی» تکون یابد (بنگرید به مطهری ۱۳۷۷ الف: ۲۲۵-۲۵۰؛ پارسا نیا ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۵۷؛ خسروپناه ۱۳۹۳: ۶۰۷-۶۰۸؛ واسطی بی‌تا؛ گلکار ۱۳۹۵؛ امین‌پور ۱۳۹۰: ۹۹-۲۳۰؛ شریفی ۱۳۹۳: ۲۷۵-۳۴۰).

۵. جایگاه جنس و فصلی عناصر معرف.

۶. اجزای سیستم به اعتبارات مختلف نام‌های متفاوت پیدا می‌کنند: «عنصر»، «متغیر»، «معنا»، و «لایه»، بُعد، حیث، جهت». اجزای سیستم عناصرند، از این نظر که هرکدام در جزء‌بودن با جزء دیگر متفاوت است و از حیث جزء‌بودن مستقل است. متغیرند از این حیث که با یک‌دیگر ارتباط متقابل دارند و تغییر در هر جزء روی اجزای دیگر نیز تأثیر می‌گذارد. معنایند از این حیث که در بازتابشان بر ذهن فاعل شناسا مفهومی از آن‌ها ساخته می‌شود که بر آن حکایت می‌کند. هم‌چنین اجزای نظام لایه و ابعاد آن نامیده می‌شوند. در این نام‌گذاری عموماً بر «چند» جزئی و «چند» وجهی بودن شیء در برابر زاویه دیدی اشاره است که شیء را فقط به یکی از متغیرهایش تحویل می‌برد. بنابراین وقتی گفته می‌شود ابعاد و لایه‌های شیء بر «چند» متغیر داشتن شیء تأکید است (برای ملاحظه تعاریف، بنگرید به فقیه ۱۳۹۳: ۳، ۱۱؛ حبیبی ۱۳۸۶: ۲۲۹).

۷. ممکن گفته شود که جریان از یک سو حقیقتی معنابیان و قصدی است که کنش‌گران با اراده خویش ذیل هسته معنایی خاص به کنش‌گری می‌پردازند، درحالی‌که ذهن از لفظ سیستم به هویتی ماشینی منتقل می‌شود؛ چه‌طور می‌توان سیستم را یکی از مؤلفه‌های حقیقت جریان اجتماعی دانست؟ آیا سیستمی دانستن جریان باعث فروکاست آن به کالبد بی‌جان ماشینی نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت که هرچند «ماشین» مصداق مشهور «سیستم» است، سیستم منحصر در ماشین نیست. خصوصیات عرضی ماشین نیز در تعریف مفهوم سیستم اخذ نشده است. درواقع، به فهمی مراد از هویت سیستمی به منزله یکی از ابعاد حقیقت جریان در گرو توجه به قاعده منطقی و معرفت‌شناختی «مرسل بودن مفاهیم (کلی طبیعی)» است. مفهومی که از «نظام (سیستم)» مدنظر بوده و جزء مؤلفه‌های حقیقت جریان محسوب می‌شود، حقیقتی مرسل و کلی طبیعی است. تشریح این معنا در این مقال نمی‌گنجد، اما منظور این است که همان‌طور که در فلسفه و منطق اسلامی اصطلاح «حیوان» معنای «جنسی» (در کلیات خمس) دارد، اصطلاح «نظام» در ادبیات مذکور در تعریف جریان نیز، که الهام‌گرفته از نظریه سیستم‌های عمومی است، معنای «جنسی» (سلسله جوهری) دارد. اگر بخواهیم با اصطلاحات منطقی توضیح دهیم، باید بگوییم حیوان «جنس»ی است که براساس آن و متناسب با «فصل»‌های متفاوتی که می‌پذیرد

«نوع»‌های مختلفی شکل می‌گیرند. تمامی انواع تحت جنس درعین آن‌که در فصل تفاوت دارند، در جنس اشتراک دارند. تمام سخن این‌جاست که جنس و اساساً کلی طبیعی ذاتی مرسل از غیر ذاتیات خویش دارد. هرگاه چیزی به صورت کلی طبیعی لحاظ می‌شود، از هر چیزی غیر از مؤلفه‌های ذاتی‌اش لایشرط و رهاست. بنابراین، سیستم کلی طبیعی است که انواعی نظیر سیستم‌های ماشینی، سیستم‌های حیات‌دار، و سیستم‌های اجتماعی دارد. انواع سیستم‌ها، درعین اشتراک در معنای واحد سیستم، در خصوصیات متفاوت‌اند. بنابراین سیستم اجتماعی که در تعریف جریان اخذ شده، درعین آن‌که در تعریف سیستم با ماشین‌های مکانیکی مشترک است، اما خصوصیات و عرضیات متفاوتی در مقایسه با آن دارد.

۸. چنان‌که در روایت آمده است: «دَعُوا مَا وَاَفَقَ الْقَوْمُ؛ فَإِنَّ الرُّشْدَ فِي خِلَافِهِمْ» (کلینی ۱۴۲۹: ۱۷).

۹. گفتنی است، نباید جریان را به معنای گفتمان موردنظر لاکلا و موفه تصویر کرد که در آن گفتمان همواره در رابطه‌ای تخصصی با یک دیگری (یا دشمن) است و هویت خود را از آن دشمن دریافت می‌کند و خود فاقد هرگونه هویت مستقل است. از مهم‌ترین ویژگی‌های جریان در قیاس با گفتمان برخوردار از هسته سخت معنایی و در نتیجه برخوردار از هویت ایجابی است. مؤلفه «نظام مشترک معنایی» (که در ادامه می‌آید)، از مؤلفه‌های هویت جریان، بیش‌ازپیش بر این مسئله تأکید می‌کند.

۱۰. تأکید اساسی شهید مطهری در کتاب *جاذبه و دافعه علی (ع)* بر جلوگیری قشری‌نگری و ظاهربینی و توجه به معیار صحیح فهم حقیقت است. وی پس از ذکر این روایت بیان می‌کند: «در این جا علی (ع) معیار حقیقت را خود حقیقت قرار داده است و روح تشیع نیز جز این چیزی نیست. درحقیقت فرقه شیعه مولود بینش مخصوص و اهمیت‌دادن به اصول اسلامی است نه به افراد و اشخاص. قهراً شیعیان اولیه مردمی منتقد و بت‌شکن بار آمدند. علی بعد از پیغمبر جوانی بود که ۳۳ سال داشت و در اطراف او اقلیتی کم‌تر از عدد انگشتان جوان و در مقابلش پیرمردهای شصت‌ساله با اکثریتی انبوه و بسیار بودند. منطق اکثریت این بود که راه بزرگان و مشایخ این است و بزرگان اشتباه نمی‌کنند و ما راه آنان را می‌رویم. منطق آن اقلیت این بود که آن‌چه اشتباه نمی‌کند حقیقت است، بزرگان باید خود را بر حقیقت تطبیق دهند».

۱۱. سیلان و پویایی جریان درحقیقت نتیجه‌ای از ارکان دیگر است. زمانی‌که نظام مشترک معنایی بین جمعیت و افراد جریان ایجاد شد و این افراد مدیریت شدند و به مرحله تأثیرگذاری رسیدند، می‌گوییم پویایی و حرکت وجود دارد. پویایی چیزی نیست جز نتیجه تأثیرگذاری جریان که با مدیریت بر افراد اتفاق افتاده است. بنابراین ذکر سیلان و پویایی نه به منزله رکنی هم‌ردیف ارکان دیگر، بلکه مفهوم انتزاع‌شده از نتیجه فعالیت و تأثیرگذاری جریان است. مسئله فوق به این نکته توجه می‌دهد که رکن تأثیرگذاری بایستی «بالفعل» باشد، نه آن‌که صرف تأثیرگذاری آن هم در زمان‌های گذشته، موجب آن باشد که امروز نیز جریانی را زنده بدانیم.

۱۲. باتوجه به این تعریف، که خلاصه‌ترین و رساترین تعریف فلسفی ارائه شده از حرکت است، در حرکت یک حقیقت واحد ولی پویا در امتداد زمان وجود دارد. بنابراین هویت حرکت دو ذات و مقوم اصلی دارد: ۱. وحدت شیء (که منشأ انتزاع حرکت طی زمان است) و ۲. سیلان و امتداد شیء در زمان (مصباح ۱۳۹۴: ۳۳۳؛ مطهری و طباطبایی ۱۳۷۷: ۷۶۷؛ مطهری ۱۳۷۷ ج: ۲۳۲).

۱۳. اشاره عموم حکمای اسلامی به این بحث در تاریخ فلسفه اسلامی نشان‌دهنده سابقه و دامنه داری آن در تراث حکمت اسلامی است (بنگرید به ابن‌سینا ۱۳۷۹: ۲۰۳-۲۲۵؛ ابن‌سینا ۱۴۰۴ الف: ۱۷۰-۱۸۰؛ ابن‌سینا ۱۴۰۴ ب: ۷۹-۱۶۶؛ فخر رازی ۱۴۱۱: ۵۴۷-۶۷۸؛ سهروردی ۱۳۷۵: ۱۹۴؛ ملاصدرا ۱۹۸۱: ۲۰ به بعد؛ ملاصدرا ۱۳۶۰: ۹۶-۱۰۳؛ سبزواری ۱۳۷۹: ۲۳۹-۲۷۸؛ طباطبایی ۱۴۳۰: ۷۵-۱۲۶؛ مطهری و طباطبایی ۱۳۷۷: ۷۶۰-۸۴۰؛ مصباح یزدی ۱۳۹۴: ۳۵۳-۳۴۳؛ عبودیت ۱۳۸۹: ۲۴۳-۲۵۴).

۱۴. درواقع قواعد و چهارچوب‌های حرکت در فلسفه اسلامی ادبیاتی غنی برای شناخت سیستم‌های پویا در اختیار روش‌شناس قرار می‌دهد.

۱۵. لازم است دقت شود که شناخت اجمالی غیر از شناخت تفصیلی است. برای آن‌که جریان‌ات اجتماعی شناخته شوند، در گام اول بایستی اصل جریان شناسایی شود و در گام دوم به منزله سیستم اجتماعی مطالعه شود. تا به صورت اجمالی ندانیم که «آیا اصلاً جریانی وجود دارد یا خیر؟» و «اگر وجود دارد، کدام است؟» نمی‌توانیم از شناخت تفصیلی آن حرفی بزنیم. درواقع گام اول جریان شناسی درمقام «موضوع‌سازی» برای گام دوم است. ابتدا در گام اول، شناخت اجمالی از اصل جریان‌ات اجتماعی به دست می‌آید و موضوع مطالعه انتخاب می‌شود و فرضیه‌هایی برای جریان‌ات موجود و متحقق به دست می‌آید؛ سپس نتایج این گام اول، به مثابه طرح اولیه‌ای که در آن از جریان‌های احتمالی حدس زده شده‌اند، در اختیار گام دوم جریان‌شناسی قرار می‌گیرد. این فرضیات، طرح‌های اولیه و موضوع‌شناسی‌ها، مبنای مطالعات تفصیلی تحقیق قرار می‌گیرند و در آن مرحله اثبات یا رد این طرح اولیه بررسی می‌شود. بنابراین جریان‌شناسی در مرحله شناخت توصیفی دو مرحله عمده شناخت اجمالی و شناخت تفصیلی را دارد.

۱۶. ابزار رسمی کردن ارائه نمودار سازمانی و راه‌نمای سازمان است. راه‌نمای سازمان مشتمل بر اهداف سازمانی، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها، نمودارها، شرح وظایف و فعالیت‌ها، و رهنمودهای مرتبط با فعالیت‌هاست (بنگرید به رضائیان ۱۳۵۹: ۳۱۰-۳۱۵).

۱۷. درواقع همین عدم رسمیت است که سبب می‌شود جریان در فرهنگ شرقی متولد شود و رشد کند. ذائقه محافظه‌کارانه شرقی ایرانیان، برخلاف فرهنگ صریح و رسمیت‌پذیر و رسمیت‌طلب غربی، بیش‌تر به عدم رسمیت و گریز از چهارچوب‌های تعریف‌شده تمایل دارد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابراهیم‌پور، علی (۱۳۹۷)، «تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی - معرفتی 'جریان' به‌مثابه موضوع دانش جریان‌شناسی»، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی جریان‌شناسی فرهنگی در عرصه بین‌الملل، قم: جامعه المصطفی.

ابراهیم‌پور، علی (۱۳۹۸)، «بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی 'جریان' و 'جریان‌شناسی'»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، آماده انتشار.

ابن‌سینا (۱۴۰۴ الف)، *الاهیات شفا*، تصحیح سعید زاید، قم: مرعشی نجفی.

ابن‌سینا (۱۴۰۴ ب)، *الشفاء (الطبیعیات)؛ السماع الطبيعي*، ج ۱، تصحیح سعید زاید، قم: مرعشی نجفی.

ابن‌سینا (۱۳۷۹)، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران. اسکات، ریچارد (۱۳۹۳)، *سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز*، ترجمه حسن میرزایی اهرنجان، تهران: سمت.

الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸)، *مدیریت عمومی*، تهران: نشر نی.

انصاری، مرتضی‌بن محمدامین (۱۴۲۸)، *فرائد الأصول*، ج ۴، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

برازو، ژاک (۱۳۸۷)، «دانش میان‌رشته‌ای و تحصیلات عالی»، ترجمه توحیده ملباشی، در: *چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای*، لیسالاتوکا و دیگران، ترجمه و تدوین سیدمحسن علوی‌پور و دیگران، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

پارسانیا، حمید (۱۳۹۰)، *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم: کتاب فردا.

پارسانیا، حمید (۱۳۹۱)، *جهان‌های اجتماعی*، قم: کتاب فردا.

پاکچی، احمد (۱۳۹۱)، *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

پیغامی، عادل (۱۳۹۳/۰۲/۱۸)، *درس‌گفتار جریان‌شناسی اقتصادی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی*، قم: چهارمین دوره آموزشی جریان‌شناسی فرهنگی سیاسی تاریخ معاصر، مؤسسه ولای منتظر و دفتر پژوهش‌های خاص دفتر تبلیغات اسلامی.

چاندراموهان، بالاساب رامنایام (۱۳۸۹)، *یادگیری و تدریس میان‌رشته در آموزش عالی؛ نظریه و عمل*، ترجمه محمدرضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

حبیبی، رضا (۱۳۸۶)، *درآمدی بر فلسفه علم*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۶)، *گفتمان میان‌رشته‌ای دانش*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رابینز، استیفن (۱۳۹۶)، *تئوری سازمان: ساختار و طرح سازمانی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: صفار.

بررسی تحلیلی لوازم روش‌شناسانه ماهیت «جریان اجتماعی» (علی ابراهیم‌پور) ۳۱

ریکو، آلن (۱۳۹۶)، پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند، ترجمه محسن علوی‌پور و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رضائیان، علی (۱۳۷۷)، «شالوده‌خلاقیت و نوآوری: مطالعات میان‌رشته‌ای»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی (سخن سمت)، ش ۴.

رضائیان، علی (۱۳۸۷)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: سمت.

رضائیان، علی (۱۳۹۵)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.

سبزواری، ملاحادی (۱۳۶۹ اب - ۱۳۷۹)، شرح المنظومه، ج ۴، تصحیح علامه حسن‌زاده، تهران: ناب.

سهروردی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۷۵)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۴، تصحیح و مقدمه هانری کربن و سیدحسین نصر و نجفقلی حبیبی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین (۱۴۳۰)، نه‌ایه الحکمه، ج ۲، تعلیق عباسعلی زارعی سبزواری، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین.

عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۹)، فلسفه مقدماتی برگرفته از آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران: سمت و مؤسسه امام خمینی (ره).

فخر رازی، محمد (۱۴۱۱ق)، المباحث المشرقیة فی علم الالهیات و الطبیعیات، ج ۱، قم: بیدار.

فرامرزی قراملکی، احد و سعیده سیاری (۱۳۸۹)، «مطالعات میان‌رشته‌ای: مبانی و رویافت‌ها»، فلسفه و کلام اسلامی، س ۴۳، ش ۲.

فقیه، نظام‌الدین (۱۳۹۳)، سیستم‌های پویا (اصول و تعیین هویت)، تهران: سمت.

فوردمن، رابرد و دیگران (۱۳۸۷)، «پرسش از میان‌رشته‌گی»، ترجمه ارکان شریفی، چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای، لیسالاتوکا و دیگران، ترجمه و تدوین سیدمحسن علوی‌پور و دیگران، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹)، الکافی، ج ۱، قم: دارالحديث.

کوشکی، صادق (۱۳۹۳/۰۲/۰۴)، درس‌گفتار جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، قم: چهارمین دوره آموزشی جریان‌شناسی فرهنگی سیاسی تاریخ معاصر (مؤسسه ولای منتظر و دفتر پژوهش‌های خاص دفتر تبلیغات اسلامی).

متین، منصور (۱۳۸۸)، تفکر میان‌رشته‌ای، قم: بوستان کتاب.

مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، ج ۴۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی، داوود، مجید رمضان، و محمدرضا ابراهیمی (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها؛ تفکر سیستمی، تهران: ققنوس.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، آموزش فلسفه، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ الف)، مجموعه آثار؛ وحی و نبوت، ج ۲، قم و تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ ب)، مجموعه آثار، ج ۱۲، قم و تهران: صدرا.

۳۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیستم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۹۹

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ج)، مجموعه آثار؛ جاذبه و دافعه علی (ع)، ج ۱۶، قم و تهران: صدرا.
مطهری، مرتضی و علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار؛ اصول فلسفه و روش
رتالیسم، ج ۶، قم و تهران: صدرا.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷)، اصول الفقه، تعلیق زارعی سبزواری، قم: بوستان کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸)، انوار الأصول، ج ۳، تقریرات احمد قدسی، قم: مدرسه الامام
علی بن ابی طالب.

ملاصدرا (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، تصحیح و تعلیق سیدجلال‌الدین آشتیانی، مشهد:
المركز الجامعی للنشر.

ملاصدرا (۱۹۸۱)، الحكمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث.
مورن، جو (۱۳۸۷)، میان‌رشتگی، ترجمه داوود حاتمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
مولر، هارو و دیگران (۱۳۹۰)، نظریه سیستم‌ها (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱)، نگرش سیستمی به دین، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف
اسلام.

واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۴)، راه‌نمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به علم و هستی، مشهد: مؤسسه
مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.